



اشاره: نظام بانکی کشور از سال‌های گذشته، علی‌رغم اجرای قانون عملیاتی بانکی بدون ربا از سال ۶۳ تاکنون، با مشکلاتی روبرو بوده و از شائبه ربوی بودن رنج می‌برد و اکنون کار به جایی رسیده که مسائل نظام بانکی، موجب تبدیل آن به یکی از چالش‌های اقتصاد ایران شده است، بلا بودن نرخ سود سپرده و حجم بالای نقدینگی، افزایش موقوفات بانکی، عدم تناسب قوانین بانکی کشور با نظام بانکی بین المللی و… از عمده‌ترین مشکلات سیستم بانکی کشور است.

هفته نامه افق سعی دارد درخصوص وضعیت ساختار نظام بانکی ایرانی و چگونه حل مشکلات آن و … که از دغدغه های به حق مراجع عظام تقلید و مردم می باشد، با صاحب نظران و کارشنان امر به گفت وگو بنشینند و نظرات آنان را در قالب ویژه نامه هایی منتشر نماید، لذا از اساتید و صاحب نظران ارجمند استدعا دارد که ما را در ارتقاء اهداف این ویژه نامه یاری فرمایند.



حجت‌الاسلام والمسلمین غلامعلی معصومی‌نیا

## عواقب حذف عقد مشارکت در طرح بانکداری اسلامی

### آسیب‌شناسی بانکداری ربوی و ارائه راهکار برای رفع موانع تحقق بانکداری اسلامی

در طرح بانکداری اسلامی در خصوص عقود مشارکتی گفته‌اند که چون بانک، توانایی اجرای آن را ندارد، لذا این عقد را حذف کرده‌اند، اما در این‌جا اشکال بزرگی پیش می‌آید که اقتصاد از عقد مشارکت محروم می‌شود و برخی حیله‌های ربا، مانند سلف موازی و جعاله موازی جایگزین آن می‌شود. یکی از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی ایران در طول چهار دهه گذشته، حذف ربا از نظام بانکی و تحقق بانکداری اسلامی بوده است. یکی از آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی دست‌یابی به اقتصاد اسلامی بوده و یکی از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های اقتصاد اسلامی، تحقق بانکداری اسلامی است. حجت‌الاسلام والمسلمین غلامعلی معصومی‌نیا مدیر گروه بانکداری اسلامی دانشگاه خوارزمی در گفت‌وگویی با پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که در ادامه می‌آید:

• قطعاً یکی از زیرمجموعه‌های نظام اقتصادی اسلام،

و نیز یکی از آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی، تحقق بانکداری اسلامی بوده‌است. به نظر شما، در طول چهار دهه گذشته به چه اهدافی در این زمینه رسیده‌ایم و کدام اهداف ماعقیم مانده‌است؟

ابتدا باید از نظر تنوریک عرض کنم که وقتی به آموزه‌های اقتصادی اسلام در قرآن و سنت نگاه می‌کنیم، یک مجموعه منسجم نظام مالی و پولی، نظام مالیاتی و سایر نظام‌ها از درون آن بیرون می‌آید. چراکه اقتصاد دارای دو بخش عمده واقعی و غیرواقعی است. منظور از بخش واقعی، تولید و مصرف و همانند آن است وبخش غیرواقعی درجایی است که بحث پول وروابط بین مبنیغیرهای پولی به میان می‌آید. بعداز انقلاب اسلامی، با پدیده‌ای به نام بانک مواجه شدیم. در آن زمان، چنین فکری به ذهن متفکران اسلامی، خطور کرد که چون بانک‌های کنونی به شکل ربوی عمل می‌کنند، لذا در قالب یک قانون، عقود شرعی را مبنای فعالیت بانک‌ها قرار دهیم. این اقدام در آن زمان بسیار خوب بود؛ چراکه در آن موقع فقط همین مسئله به ذهن متفکران رسیده بود ومانمی‌توانیم به آن‌ها ایراد بگیریم. آنان گفتند: در جانب تجهیز منابع، از عقد قرض الحسنه و وکالت استفاده کنیم که بانک، وکیل سپرده‌گذار شود.

در جانب تخصیص منابع هم گفتند که بانک، به‌جای اینکه وام ربوی بدهد و سود بگیرد، باید در قالب عقود شرعی همانند مشارکت، مضاربه، مساقات، جعاله، اجاره به شرط تملیک، سلف، فروش اقساطی و امثال آن عمل کنیم. این فکر در آن موقع ایجاد شد و قانون آن، با عنوان قانون عملیات بانکی بدون ربا تدوین شد. آنان گفتند: ما برای تحقق بانکداری اسلامی در دو مرحله عمل می‌کنیم؛ بدین‌گونه که ابتدا به‌وسیله این قانون که ۲۷ ماده داشت، ربا را از نظام بانکی حذف می‌کنیم و بعد از چند سال هم آن را مورد بازنگری واصلاح قرار خواهیم داد.

الآن ۳۴ سال از آن زمان می‌گذرد و تقریباً اتفاق نظر وجود دارد که آن قانون، یا بسیار کم اجرا شده یا اصلاً اجرایی نشده است. البته اینکه بگوییم اصلاً اجرایی نشده است منصفانه نیست، به این دلیل که بانک‌ها برخی از تسهیلات خود همانند اجاره به شرط تملیک را به‌صورت واقعی پرداخت کرده‌اند و آن هم به‌خاطر ماهیت فعالیت آن‌ها در بخش مسکن بود، اما بخش عمده فعالیت بانک‌ها، صوری یا ربوی است.

• بسیاری از منتقدان نظام بانکی معتقدند که اصل قانون عملیات بانکی بدون ربا دارای مشکل است، اما گویاشما معتقدید که اگر همان قانون به‌خوبی اجرایی می‌شد، ما الآن بسیاری از مشکلات شرعی در نظام بانکی را دارا نبودیم؟

در مورد این‌که اجرای قانون موفقیت‌آمیز نبوده است، اتفاق نظر وجود دارد. به‌عنوان مثال مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارش منتشر شده‌اش به صراحت گفته است که این قانون به درستی اجرایی نشده و اساساً پیش‌فرض کسانی‌که طرحی برای اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا فراهم کرده‌اند همین است که این قانون به درستی اجرایی نشده‌است وگرنه به سراغ این کار نمی‌رفتند. در مورد تحلیل چرایی و چگونگی عدم موفقیت این قانون اختلاف نظر وجود دارد. وقتی چرایی عدم موفقیت قانون عملیات بانکی بدون ربا را بررسی می‌کنیم، نوع راهبرد و رویکرد جدید ما برای حل نارسایی‌ها و مشکلات به‌وجود آمده معلوم می‌شود. تحلیل کسانی‌که این طرح‌ها و لوایح را آماده کرده‌اند که البته انسان‌های با ارزش، متفکر و متدینی هم هستند، این است که برخی نواقص در قانون و برخی نیز در اجرا وجود داشته است. این موارد در کتاب‌ها و مقالات آن‌ها هم اشاره شده است؛ به‌عنوان مثال برخی از افراد، کم بودن تعداد عقود با بازدهی ثابت را علت این امر می‌دانند؛ چراکه در قانون، عقود دارای بازدهی ثابت، شامل اجاره به شرط تملیک و فروش اقساطی هستند. در گزارش مرکز پژوهش‌ها هم آمده است که یکی از مشکلات بانک‌ها، کمبود عقود دارای بازدهی ثابت است. مواردی که اشاره شد، مشکلاتی هستند که در قانون وجود دارند و گفته شده که باید در قانون برطرف شوند. برخی از مشکلات هم به عرصه اجرایی و شاکله بانک نسبت داده می‌شود که آن هم عقود مشارکتی است. این‌ها در تحلیل خود می‌گویند: بانک نمی‌تواند مجری عقود مشارکتی باشد؛ چراکه ساز و کار لازم را ندارد. این دو دیدگاه در خصوص عقود مبادله‌ای و مشارکتی بود و متناسب با آن‌ها راهکار ارائه داده‌اند.

در خصوص عقود مشارکتی گفته‌اند: چون بانک توانایی اجرای آن را ندارد، بنابراین در قانون جدید، این عقد را حذف کرده‌اند؛ غیر از مواردی که سپرده سرمایه‌گذاری خاص است که یک پروژه سودآور برای بانک پیش بیاید. در چنین شرایطی، بانک به مشتریان اعلام می‌کند که هرکسی مایل به مشارکت در این پروژه سودآور است، برای سرمایه‌گذاری

مراجعه کند وگرنه غیر از این نمی‌توان عقد مشارکت را در نظام بانکی اجرایی کرد. در این‌جا اشکال بزرگی پیش می‌آید که اقتصاد، از عقد مشارکت محروم می‌شود؛ در حالی که

یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی که در بانکداری اسلامی مورد توجه قرار دارد، همین بحث مشارکت است و مشارکت در کار و سرمایه‌ای به شکلی که ربوی نباشد. البته لزوماً به سراغ عقد مشارکت نمی‌رویم، اما یکی از ساز و کارهای لازم که ما را از ربا نجات می‌دهد همین عقود مشارکتی است. در مورد عقود با بازدهی ثابت، تعداد چهار عقد شامل استصناع، خرید دین، مرابحه و جعاله را اضافه کرده‌اند. در ماده ۶۲ طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران که در سایت خانه ملت وجود دارد آمده است که بانک‌ها می‌توانند در قالب فلان عقود که در آن‌جا آمده است، تسهیلات ارائه دهند. در آن‌جا به دلایلی، مرابحه جایگزین فروش اقساطی شده است. حال این‌که چرا از جعاله که از عقود با بازدهی متغیر است، به‌عنوان عقد با بازدهی ثابت آمده، توضیحات جالبی ارائه شده است که جای بحث دارد.

این افراد چنین اقدامی را برای حل مشکلات شرعی نظام بانکی انجام داده‌اند، اما چند نتیجه از این کار آن‌ها حاصل می‌شود که اولاً دست به ساختار بانک زده‌اند و ثانیاً عقود مشارکتی را بسیار محدود کرده‌اند که اقتصاد از ظرفیت این عقود تا حد زیادی محروم می‌شود که به نظر این اقدام، کار

را بدتر می‌کند و به احتمال قوی، یا ما را در همین وضعیت متوقف می‌کند یا شرایط بدتر خواهد شد.

تا الآن بانک‌ها برخی از عقود مشارکتی را به شکل صوری اجرایی می‌کردند، اما به هر حال بخشی از آن هم اجرایی می‌شد، ولی با این روش جدید این عقد به کلی برداشته شده است. وقتی باب مرابحه هم باز شود، دیگر کسی سراغ سپرده سرمایه‌گذاری خاص نخواهد رفت. در مورد افزایش عقود مبادله‌ای هم باید عرض کنم که این هم مشکل را بیشتر می‌کند؛ چراکه بانک‌ها عقود را و نه عقود مشارکتی را صوری اجرا می‌کردند. وقتی گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس می‌گوید بانک‌ها قراردادهارابه شکل صوری اجرایی می‌کردند، منظور همه عقود از جمله فروش اقساطی است. بنابراین صوری‌سازی فقط در عقود مشارکت نیست، بلکه در عقود با بازدهی ثابت هم وجود دارد و با اضافه کردن این عقود، دست بانک‌ها باتر می‌شود و بدتر از همه این‌ها، مرابحه است. مرابحه به لحاظ شرعی مشکلی ندارد ولی باید ضوابط شرعی آن رعایت شود. به همان دلیلی که تاکنون اجاره به شرط تملیک و فروش اقساطی به شکل صوری اجرامی‌شد، به همان دلیل اگر این طرح تصویب شود، عقد مرابحه به شکل بدتری، صوری اجرا خواهد شد؛ چراکه مرابحه بیشتر از اجاره به شرط تملیک به سیستم ربوی نزدیک‌تر است. مشکل اساسی این است که ریشه اشکال به درستی تحلیل نشده است که چرا بانک‌ها به این سمت رفتند و چون اشکال را به درستی تحلیل نکردند، راهکار آن‌ها هم دارای نارسایی است؛ مثلاً گفتند: ریشه مشکل این است که عقد مشارکت با بانک سازگاری ندارد و تعداد عقود با درآمد ثابت کم است، در حالی‌که اشکال اصلی از خود ساختار بانک است. بانک همه چیز را به استخدام خود در می‌آورد تا کسب سود کند و به همین دلیل کاری کردند که عقد جعاله در کنار عقود با بازدهی ثابت قرار گیرد؛ یعنی

عقدی که در دین مبین اسلام گفته شده دارای بازدهی متغیر است، تبدیل به عقد دارای بازدهی ثابت شده است. در طول ۳۴ سال گذشته، قراردادهای به شکل صوری اجرایی شده تا شخصی مبلغی را بدهد و در مدت معینی نرخ معینی سود دریافت کند. در آن زمان که منفعت بانک ایجاب می‌کرد در قالب عقد مشارکت قرارداد می‌بست، اما سود ثابت می‌گرفت یا پرداخت می‌کرد. هم چنین عقود مبادله‌ای را منعقد می‌کرد، اما صوری بود و این در حقیقت ریاست، به همین دلیل است که علما اعتراض می‌کنند. علما اعلام می‌کنند: این راهکارها در قانون و آیین‌نامه‌ها که به نام جعاله موازی یا سلف موازی آورده‌اید، مشکل شرعی

دارد و حیله ربا محسوب می‌شود؛ بنابراین چون مشکل به‌خوبی ریشه‌یابی نشده است، شاهد مشکلات کنونی هستیم.
• **با توجه به این‌که نرخ تورم در کشور ما بالاست و بسیاری از فعالیت‌های تولیدی، زیان‌ده هستند یا سود اندکی دارند، به نظر شما آیا بانک‌ها نباید به سمت عقد مشارکت روند؟**
این اشکال در عقود مبادله‌ای و با بازدهی ثابت هم وجود دارد. اگر تورم را مبنای اشکال قرار دهیم در سایر عقود غیر از مشارکت هم همین مشکل پدید می‌آید؛ بدین صورت که بانک می‌خواهد فروش اقساطی داشته باشد، اگر قرار است به شکل واقعی باشد گفته می‌شود این ساختمان در فلان نقطه تهران ۵۰ میلیارد تومان ارزش دارد. بانک باید آن را خریداری کرده و به قیمت ۶۰ یا ۷۰ میلیارد تومان به شخص متمولی بفروشد و بعد، آن را قسط‌بندی کند که طی چند سال بگیرد، اما در این چند سال قیمت آن ملک بسیار بالا می‌رود. بنابراین چنین اشکالی که شما اشاره کردید در عقود مبادله‌ای هم وجود دارد.

اتفاقاً اشکال تورم در عقود مبادله‌ای بیشتر است؛ چراکه بانک این خانه را خریده است که در قالب فروش اقساطی در طول چند سال بفروشد، اما در این مدت، تورم هر تغییری که داشته باشد، قیمت آن مقطوع است. در این‌جا که

مراجعه کند وگرنه غیر از این نمی‌توان عقد مشارکت را در نظام بانکی اجرایی کرد. در این‌جا اشکال بزرگی پیش می‌آید که اقتصاد، از عقد مشارکت محروم می‌شود؛ در حالی که یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی که در بانکداری اسلامی مورد توجه قرار دارد، همین بحث مشارکت است و مشارکت در کار و سرمایه‌ای به شکلی که ربوی نباشد. البته لزوماً به سراغ عقد مشارکت نمی‌رویم، اما یکی از ساز و کارهای لازم که ما را از ربا نجات می‌دهد همین عقود مشارکتی است. در مورد عقود با بازدهی ثابت، تعداد چهار عقد شامل استصناع، خرید دین، مرابحه و جعاله را اضافه کرده‌اند. در ماده ۶۲ طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران که در سایت خانه ملت وجود دارد آمده است که بانک‌ها می‌توانند در قالب فلان عقود که در آن‌جا آمده است، تسهیلات ارائه دهند. در آن‌جا به دلایلی، مرابحه جایگزین فروش اقساطی شده است. حال این‌که چرا از جعاله که از عقود با بازدهی متغیر است، به‌عنوان عقد با بازدهی ثابت آمده، توضیحات جالبی ارائه شده است که جای بحث دارد.

این افراد چنین اقدامی را برای حل مشکلات شرعی نظام بانکی انجام داده‌اند، اما چند نتیجه از این کار آن‌ها حاصل می‌شود که اولاً دست به ساختار بانک زده‌اند و ثانیاً عقود مشارکتی را بسیار محدود کرده‌اند که اقتصاد از ظرفیت این عقود تا حد زیادی محروم می‌شود که به نظر این اقدام، کار

### ربا و علت تحریم آن

### از منظر امام رضا علیه‌السلام



چندین روایت از امام رضا علیه‌السلام در موضوع ربا نقل شده است. یکی از این روایات که در بیان علت و حکمت حرام بودن ربا است را در ذیل به آن اشاره می‌کنیم:

«عَلَّةُ تَحْرِيمِ الرِّبَا اِنَّمَا نَهَى اللهُ عَنْهُ لِمَا فِيهِ مِنْ فِسَادِ الْأَمْوَالِ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا اشْتَرَى الذَّرْهَمَ بِالذَّرْهَمَيْنِ كَانَتْ ثَمَنُ الذَّرْهَمِ ذَرْهَمًا وَ ثَمَنُ الْآخَرِ بَاطِلًا فَبَيْعُ الرِّبَا وَكَسَ عَلَى كُلِّ خَالٍ عَلَى الْمُشْتَرَى وَ عَلَى الْبَائِعِ فَحَرَّمَ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الرِّبَا لِعَلَّةَ فِسَادِ الْأَمْوَالِ كَمَا حَظَرَ عَلَى التَّسْفِيهِ أَنْ يُدْفَعَ مَالُهُ إِلَيْهِ لِمَا يَتَخَوَّفُ عَلَيْهِ مِنْ اِفْسَادِهِ حَتَّى يُؤْتَسَى مِنْهُ رَشْدُهُ فَلِهَذَا الْعِلَّةِ حَرَّمَ اللهُ الرِّبَا وَ بَيَعَ الذَّرْهَمَ بِالذَّرْهَمَيْنِ بَدَأَ بِبَيْدٍ وَ عَلَّةُ تَحْرِيمِ الرِّبَا بَعْدَ النَّبِيَّةِ لِمَا فِيهِ مِنَ اِشْتِخَافِ بِالْحَرَامِ الْمُحَرَّمِ وَ هِيَ كَبِيرَةٌ بَعْدَ النَّبِيَّانِ وَ تَحْرِيمِ اللهُ تَعَالَى لَهَا وَ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ مِنْهُ إِلَّا اِسْتِخْفَافَ بِالْتَّخْرِيمِ لِلْحَرَامِ وَ اِشْتِخَافِ بِذَلِكَ دُخُولِ فِي الْكُفْرِ وَ عَلَّةُ تَحْرِيمِ الرِّبَا بِالنَّشِئَةِ لِعَلَّةَ ذَهَابِ الْمَعْرُوفِ وَ تَلَفِ الْأَمْوَالِ وَ رَغْبَةِ النَّاسِ فِي الرِّبْحِ وَ تَرْكِهِمُ الْقَرِضَ وَ الْفَرَضَ وَ صَنَائِعِ الْمَعْرُوفِ وَ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفِسَادِ وَ الظُّلْمِ وَ فَنَاءِ الْأَمْوَالِ»<sup>(۱)</sup>

علت «تحریم ربا در معامله» نهی خداوند از آن است به‌دلیل فسادی که نسبت به اموال در آن وجود دارد؛ زیرا انسان چنان‌چه یک درهم را به دو درهم بخرد، یکی از آن دو درهم در مقابل درمی که دریافت کرده پرداخت شده، اما درهم دوم تباه شده است. پس خرید و فروش و معاملات ربوی در هر حال نوعی فریبکاری برای خریدار و فروشنده است.

از این‌رو، خداوند تبارک و تعالی ربا را به جهت فساد و تباهی اموال و ثروت‌ها حرام کرده است، همان‌طور که منع فرموده تا اموال سفیه و کم عقل و دیوانه را در اختیارشان قرار دهند؛ چون بیم آن می‌رود که همه را تلف و نابود کند، تا زمانی که از او رشد عقلی دیده شود که در این صورت منع برداشته می‌شود.

پس بدین سبب خداوند عزوجل ربا و دست به‌دست کردن یک درهم با دو درهم را ممنوع کرده است. بعد از آن‌چه گفته شد، دلیل دیگر حرمت ربا، بی‌توجهی به دستور خدا در مورد خودداری از آن است و بعد از این‌که خدا به‌صورت واضح از آن منع کرد، انجام آن گناهی بزرگ بوده و بی‌توجهی به دستور خدا زمینه‌ساز کفر است. راز «تحریم ربای قرضی» نیز آن است که مانع مردم از انجام کار خیر شده و اموالی از بین می‌رود و مردم بیشتر به دنبال سود مادی می‌گردند تا رفتارهای نیک و قرض‌الحسنه و این خود منجر به فساد، ظلم و از بین رفتن ثروت (فقر) در جامعه می‌شود.

<sup>[1]</sup> عيون اخبارالرضا 3/ص ۲/ص ۹۳، تهران، نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق

بانک ضرر بیشتری می‌کند، بانک باید از عقود مشارکتی، به میزان بیشتری استفاده می‌کرد. در اجاره به شرط تملیک هم شرایط به همین‌گونه است؛ مثلاً بانک منزلی را خریداری کرده و به شخصی به شرط تملیک، اجاره می‌دهد، اما اگر در این مدت، تورم وجود داشته و اجاره‌ها در بازار تغییر پیدا کند، بانک حق ندارد یک ریال بیشتر از اجاره‌ای که موقع قرارداد با مشتری بسته است، دریافت کند.

• **شما اشاره‌ای به حیله‌های ربا در نظام بانکی کشور داشتید و گفتید: بانک‌ها به نوعی از کلاه شرعی استفاده می‌کنند. مثلاً به همین بحث جعاله اشاره کردید. حال سؤال این است که چنین کاری را چه کسانی انجام می‌دهند؟ آیا منظور شما شورای فقهی بانک مرکزی است؟**

همان‌گونه که عرض کردم، کسانی بودند که بر اساس دلسوزی و شناختی که از فقه داشتند، اقدام به نگارش اصلاحیه قانون عملیات بانکی بدون ربا کردند، اما واقعیت این است که بخشی از آن هم منبعت از تفکر سایر کشورهای اسلامی بوده است. به‌عنوان مثال، همین مرابحه که در این طرح جدید اشاره شده و به‌عنوان راه‌حل آمده است، در سایت یکی از بانک‌های قریون موجود است که ۳۵ سال قبل، یعنی یک سال قبل از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران اجرایی شده است و در آن‌جا هم عده‌ای گفته‌اند که این حیله ریاست. بنابراین، اولاً این تفکر بانکداری بدون ربا در آن طرف زمانی، طبیعی بود، اما الآن و بعداز این همه سال و این ناکامی‌ها در عرصه اجرایی، نباید مسیر خطای گذشته را برویم، بلکه باید درس بگیریم که خطای گذشته را اصلاح کنیم، نه این‌که مرابحه را جایگزین فروش اقساطی کنیم. این خطای بسیار بزرگی است که عقدی که ۳۴ سال به شکل صوری اجرا شده را برداشته و یک مرابحه که به شکل بدتری صوری اجرایی خواهد شد را جایگزین آن کنیم.

با توجه به صحبت‌هایی که درباره دید اسلامی و قرآنی درباره اقتصاد مطرح کردیم، باید عرض کنم که مسیر درست در عرصه بانکداری اسلامی در کشور این است که ابتدا بخش واقعی اقتصاد اسلامی را با استفاده از قرآن و سنت به درستی تبیین کنیم و از خطایی که عده‌ای مرتکب شده و اقتصاد اسلامی را در حاشیه اقتصاد سرمایه‌داری مطرح کردند، پرهیز کنیم و واقعاً به این نکته برسیم که اقتصاد اسلامی، موضوعی جدا از اقتصاد سرمایه‌داری است.

ما باید به‌خوبی روشن کنیم که اسلام در عرصه اقتصاد اسلامی چه می‌خواهد، چگونه تولید کرده و چگونه ارزش تولید را تقسیم کنیم. هم چنین باید روشن کنیم که ارزش افزوده به چه کسانی تعلق می‌گیرد و اهداف اقتصاد اسلامی چیست؟ هر وقت این مسایل را تبیین کردیم، سپس یک سیستم پولی را طراحی کنیم که واقعاً خواسته اسلام را تأمین کند و به حاکمیت ربا پایان داده شود.

## بررسی برخی از دغدغه‌های مراجع عظام

### نسبت به نظام بانکی کشور

## و بانکداری اسلامی

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعباس موسویان

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدعباس موسویان عضو کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار و عضو شورای فقهی مشورتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که در گفت‌وگو با هفته‌نامه «افق حوزه» به بررسی دغدغه‌های مراجع عظام نسبت به نظام بانکی کشور و بانکداری اسلامی پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

#### ● نگاهی اجمالی به تاریخچه اصطلاح نظام بانکی بعداز پیروزی انقلاب اسلامی

بعداز پیروزی انقلاب اسلامی، مطالعاتی صورت گرفت تا بانکداری ایران، از بانکداری ربوی متعارفی که در دنیا وجود دارد، به بانکداری بدون ربا و بانکداری اسلامی تبدیل شود. وزارت اقتصاد و مجلس، چند سال مطالعاتی انجام دادند تا این‌که در سال ۱۳۶۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا به تصویب مجلس رسید. بعداز آن فقه‌های شورای نگهبان هم از جهت شرعی، این قانون عملیات بانکی را تأیید کردند و از ابتدای سال ۱۳۶۳ این قانون به مرحله اجرا درآمد. البته قرار بر این بود که این قانون به مدت ۵ سال اجرا و بازخوردها و اشکالات احتمالی آن شناسایی و رفع شود و قانون جامع‌تر و کامل‌تری به دست بیاید که این ۵ سال خیلی طول کشیده است. خوشبختانه در سال‌های اخیر، هم در بانک مرکزی و نظام بانکی و هم در وزارت اقتصاد، مطالعات خوبی در این زمینه انجام و لایحه‌ای از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران آماده شده و تحت عنوان بازنگری قوانین پولی و بانکی به مجلس ارائه شده است. به موازات این حرکت، از حدود ۴ سال قبل کمیسیون اقتصادی مجلس هم مطالعاتی را انجام داده است و اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا را آسیب‌شناسی کرده است، البته در مجلس قبل، طرحی تهیه شد که به تصویب نرسید و لذا به مجلس جدید منتقل شد و کمیسیون اقتصادی مجلس جدید هم روی آن طرح کار کرد. خوشبختانه آن طرح آماده شده و احتمالاً از اوایل سال آینده، در دستور کار مجلس گذاشته خواهد شد و امیدواریم با اصلاح طرح مجلس یا تصویب لایحه دولت بتوانیم خلأهایی که در قانون عملیات بانکی بدون ربا فعلی وجود دارد را پوشش بدهیم و گامی در اجرای صحیح آموزه‌های اسلام در حوزه پولی و بانکی برداشته شود.

از سال ۱۳۶۳ که قانون عملیات بانکی بدون ربا به مرحله اجرا گذاشته شد، دغدغه‌هایی در مقام اجرا به وجود آمد. اصل قانون عملیات بانکی بدون ربا، از نظر شرعی هم مورد تأیید فقهای شورای نگهبان بود و هم مورد تأیید حضرت امام، مرحوم آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی، آیت‌الله‌العظمی نجفی مرعشی و سایر مراجعی که آن زمان بودند قرار گرفت، اما در مقام اجرا در طی این سی و چند سال که گذشته است، دغدغه‌هایی برای مراجع بزرگوار تقلید مطرح شده که این دغدغه‌ها از جهت نظام بانکی بسیار معتنم است و خوب است که نظام بانکی به آن‌ها دقت کند و بتواند اصلاحاتی را در همین لایحه مطرح و طرحی که قرار است در مجلس تصویب بشود انجام بدهد.

مهم‌ترین دغدغه‌های مراجع بزرگوار تقلید نسبت به مسائلی بانکداری اسلامی را می‌توانیم در چند گروه طبقه‌بندی کنیم:

#### ● ۱- صوری شدن معاملات

گروه اول بحث صحت معاملات یا اصطلاحاً صوری شدن معاملات است. اشکالی که مراجع بزرگوار تقلید نسبت به برخی از بانک‌ها دارند این است که برخی از بانک‌های ما، متأسفانه در تعامل با مشتری، قراردادهای صحیح اجرا نمی‌کنند. به این معنا که اگر قرار باشد، بین دو شخص حقیقی و یا دو شخص حقوقی و یا یک شخص حقیقی و یک شخص حقوقی، قراردادی به شکل صحیح انشاء و اجرا بشود، باید آن قرارداد خوب فهمیده بشود که اصلاً چه قراردادی است و اعلام رضایت کنند و به اصطلاح طلبگی آن قرارداد را انشاء کنند و ایجاب و قبول داشته باشند. آن موقع می‌گوییم این قرارداد صحیح است، اما گاهی رخ می‌دهد که دو طرف قرارداد یا یکی از طرفین از مفاد قرارداد اطلاعی ندارد که طبیعتاً در این صورت نمی‌تواند آن را قصد کند و وقتی قصد نکرد، پیرو آن وقتی اعضاء می‌کند، آن را نمی‌توانیم ایجاب و قبول بدانیم، نتیجه این می‌شود که یک قرارداد صوری اعضاء شده و قصد واقعی و انشاء در آن قرارداد انجام نگرفته است.

این اشکال در طی سالیان گذشته و به‌طور معمول، از طرف مراجع بزرگوار تقلید به نظام بانکی مطرح بوده است. پیرو این اشکال، هم بانک مرکزی تدابیری اندیشیده است و هم برخی از بانک‌ها، علاوه بر تدابیر بانک مرکزی تلاش‌های خوبی انجام دادند، اما متأسفانه برخی از بانک‌ها کوتاهی کردند. یکی از تدابیر آن‌ها، آموزش قراردادهای بانکی است. بانک مرکزی همه بانک‌ها را موظف کرده تا کارکنان نظام بانکی، آموزش‌های مناسب و لازم را ببینند و خودشان قراردادهای را خوب بفهمند. به همین منظور آموزش‌های مناسبی، هم از طرف بانک مرکزی و هم از طرف خود بانک‌ها شروع شده است و دوره‌های خوبی برگزار می‌شود و حتی برخی از بانک‌ها در این رابطه بسیار پیشرو هستند. در همین شهرقم در یک برنامه چهل ساعته و یک هفته کامل، همه کارکنان، رؤسای شعب، مدیران اعتباری و مسئولینی را که طرف قرارداد با بانک هستند را حاضر می‌کنند و این معاملات را شرح و آموزش می‌دهند. علاوه بر این بانک مرکزی، بانک‌ها را موظف کرده تا حتماً نسخه‌ای از قرارداد را در اختیار مشتری بگذارند که اگر مشتری در بانک فرصت مطالعه نداشت، در منزل قرارداد را به دقت مطالعه کند. علاوه بر این برخی از بانک‌ها کارکنان‌شان را موظف کرده‌اند تا خلاصه قرارداد را به مشتری توضیح بدهند و تفهیم کنند. الان در برخی از بانک‌ها وقتی زمان قرارداد فرا برسد، مسئول مربوطه در حد چند دقیقه مفاد کلی قرارداد را که اصطلاحاً به آن خلاصه قرارداد می‌گویند، برای شما قرائت می‌کند تا شما در جریان مفاد قرارداد باشید و بعد از آن اگر خواستید از روی قصد و رضایت قرارداد را اعضاء می‌کنید و اگر نخواستید وارد مذاکره می‌شوید که مثلاً چانه بزنید. این حرکات پیرو دغدغه مراجع بزرگوار تقلید صورت گرفته است.



#### ● عدم تطابق قرارداد بانیا مشتری

نکته دیگری که باعث می‌شد تا قراردادهای واقعی نباشند و صوری بشوند، عدم تطابق قرارداد بانیا مشتری بود؛ به این معنا که گاهی قرارداد بانک بانیا مشتری به خاطر آن نیاز، به سرخ بانک آمده و از بانک وام می‌خواست تطابق نداشت. برای مثال شخصی برای تعمیر خانه‌اش به بانک مراجعه می‌کند و بانک می‌گوید: ما برای خرید مصالح ساختمانی سرفصل نداریم، اما برای خرید لوام خانگی وام می‌پردازیم و لذا او مجبور می‌شد از یک فروشگاه لوازم خانگی، فاکتور صوری مبنی بر این‌که من می‌خواهم لوازم خانگی بخرم بیآورد تا بانک به او تسهیلات بدهد. بعد به جای این‌که لوازم خانگی تهیه کند، مصالح ساختمانی می‌خرد. برای هزینه عمل جراحی فرزندش به سرخ بانک می‌آمد، ولی بانک می‌گفت: برای معالجه وام نداریم، اما برای تعمیر مسکن وام داریم. او یک فاکتور جعلی تعمیر مسکن می‌آورد و پول وام را برای هزینه بیمارستان هزینه می‌کرد. این دغدغه، یک دغدغه جدی از طرف مراجع بزرگوار تقلید بود که در جهت صوری و غیرواقعی شدن معاملات بانک‌ها مطرح می‌شد. از حدود ده سال پیش، بانک مرکزی مطالعات گسترده‌ای را در این مسئله آغاز نمود و به نکته جالبی رسید و آن این‌که در فقه اسلامی و در متون روایات ما، قراردادی به نام قرارداد مریحه وجود دارد که از نظر ظرفیتی، قلمرو گسترده‌ای دارد و می‌تواند، کلیه کالاهایی که یک خانوار و یک بنگاه اقتصادی به آن احتیاج دارد را تحت پوشش قرار بدهد؛ علاوه بر این‌ها، همه خدمات اعم از خدمات آموزشی، پژوهشی، مسافرتی، زیارتی، بیمارستانی و بهداشتی، بیمه و گمرک را پوشش می‌دهد. این‌جا بود که بانک مرکزی در قانون برنامه پنجم توسعه، قرارداد مریحه را وارد قانون عملیات بانکی کرد و به بانک‌ها ابلاغ کرد که از این به بعد به جای این‌که اقدام به فروش اقساطی لوازم خانگی کنند و یا جعلی تعمیر مسکن بدهید، مریحه کلیه کالاهای و خدمات مورد نیاز مشتری را ارائه بدهید. خوشبختانه این مطلب در سال نود از طرف بانک مرکزی به کلیه بانک‌ها ابلاغ شد و خیلی از بانک‌های ما از همان سال مریحه را در دستور کار خودشان قرار دادند و قضیه فاکتورهای صوری که مراجع بزرگوار تقلید، راجع به آن‌ها دغدغه به حقی داشتند تا حد زیادی از بین رفت. البته هنوز بانک‌هایی در کشور وجود دارند که از جهت فناوری و قراردادهای به‌روز نیستند و هم‌چنان فروش اقساطی خودرو و لوازم خانگی را دارند و لذا بانک‌های ما از این جهت یک دست نیست.

#### ● ۲- بالا بودن نرخ سودهای بانکی

دومین دغدغه‌ای که مراجع بزرگوار تقلید دارند و جای آن است که نظام بانکی و به‌ویژه دولت، روی آن کار کند، بحث بالا بودن نرخ سودهای بانکی است. با توجه به این‌که فعالان اقتصادی، صنعتگران، تولیدکنندگان، تجار و ارائه‌دهندگان خدمات، با استفاده از منابع بانکی، فعالیت‌های اقتصادی خود را انجام می‌دهند و ایجاد تولید، اشتغال و درآمد می‌کنند، لذا می‌بایست نرخ سود بانکی پایین باشد تا نرخ سود تسهیلات بانکی با نرخ بازدهی سرمایه در اقتصاد تناسب داشته باشد؛ برای مثال وقتی یک فعال اقتصادی، مبلغ چند صد میلیون تومان وام می‌گیرد و آن را در یک فعالیت اقتصادی به جریان می‌اندازد، موقعی می‌تواند سود هجده درصدی به بانک بپردازد که خودش از آن محل حداقل سودی بیست و چند درصدی به‌دست بیاورد و با ریخت و پاش‌های حاشیه‌ای آن بتواند هجده درصد به بانک سود بپردازد، اما اگر بازدهی اقتصاد در بخش واقعی حداکثر ۱۵ تا ۱۶ درصد باشد، در حقیقت از ارزش افزوده سایر نهاده‌های تولید، مانند نیروی کار و حقوق آن‌ها کم می‌گذارد و به بانک می‌پردازد. بنابراین نرخ‌های سود بانکی یک عامل خیلی مهمی در شکل‌گیری تولید و اشتغال هستند. این نرخ‌های سود بانکی بالا باشد، به تبع آن تقاضای تسهیلات کاهش پیدا می‌کند و ایجاد اشتغال و کار و تولید کاهش پیدا می‌کند، اما اگر نرخ‌های سود بانکی قابل دفاع و منطقی باشد و به اصطلاح ساده، برای تولیدکننده صرفه داشته باشد، تقاضا برای تسهیلات و فراهم شدن فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد اشتغال و تولید شکل می‌گیرد.

این نگرانی هم، نگرانی به حقی است که نظام بانکی و دولت باید روی آن کار کنند. این بحث به شکل طبیعی در همه اقتصادهای دنیا مطرح می‌شود که نرخ سود بانکی باید چه میزان باشد؟ بانک یک واسطه است که از یک طرف از سپرده‌گذاران که بخشی از مردم هستند، وجوه مالی مازاد را جمع‌آوری می‌کند و به آن‌ها سود می‌دهد و از طرف دیگر منابع بانک را در اختیار فعالان اقتصادی می‌گذارد و سود می‌گیرد. اگر بگوییم نرخ سود بانکی بالا برود، سود خوبی نصیب سپرده‌گذاران خواهد شد، و گیرندگان تسهیلات متضرر می‌شوند. بنابراین پیدا کردن نقطه بهینه و نقطه تعادلی و عادلانه سود که اصطلاحاً هم سپرده‌گذاران به حششان برسند و حقوق آن‌ها رعایت بشود و هم گیرندگان تسهیلات بانک به حششان برسند و حق آن‌ها هم ضایع نشود در اقتصاد و بانکداری یکی از پیچیده‌ترین مسائلی است.

این نگرانی هم، نگرانی به حقی است که نظام بانکی و دولت باید روی آن کار کنند. این بحث به شکل طبیعی در همه اقتصادهای دنیا مطرح می‌شود که نرخ سود بانکی باید چه میزان باشد؟ بانک یک واسطه است که از یک طرف از سپرده‌گذاران که بخشی از مردم هستند، وجوه مالی مازاد را جمع‌آوری می‌کند و به آن‌ها سود می‌دهد و از طرف دیگر منابع بانک را در اختیار فعالان اقتصادی می‌گذارد و سود می‌گیرد. اگر بگوییم نرخ سود بانکی کلاً پایین بیاید، این‌جا به نفع گیرندگان تسهیلات و به ضرر سپرده‌گذارانی است که سرمایه‌های خودشان را در اختیار بانک گذارده‌اند، اگر بگوییم نرخ سود بانکی بالا برود، سود خوبی نصیب سپرده‌گذاران خواهد شد، و گیرندگان تسهیلات متضرر می‌شوند. بنابراین پیدا کردن نقطه بهینه و نقطه تعادلی و عادلانه سود که اصطلاحاً هم سپرده‌گذاران به حششان برسند و حقوق آن‌ها رعایت بشود و هم گیرندگان تسهیلات بانک به حششان برسند و حق آن‌ها هم ضایع نشود، در اقتصاد و بانکداری یکی از پیچیده‌ترین مسائلی است. طبیعتاً اگر نرخ سود را پایین‌تر بگیرند، بخش مهمی از سپرده‌گذاران به سرعت سپرده خودشان را از بانک تخلیه می‌کنند و در فعالیت‌های دیگری به کار می‌گیرند، چراکه سپرده‌گذاری در بانک برای آن‌ها صرفه ندارد و به محض این‌که سپرده‌گذاران پول‌هایشان را گرفتند، بانک قدرت اعطای تسهیلات را نخواهد داشت. در مقابل اگر سودهای بانکی، بالا در نظر گرفته بشود، سپرده‌گذاران پول را به بانک خواهند داد، اما بانک‌ها برای اخذ تسهیلات مشتری نخواهند داشت، و لذا هر دو مورد به اقتصاد آسیب می‌زند، به‌عنوان مثال شما شاهد هستید که در ماه‌های اخیر به محض این‌که قدری سود سپرده‌ها کاهش پیدا کرد، سپرده‌گذاران پول‌هایشان را از بانک‌ها بیرون کشیدند و به بازار ارز و سکه و امثال آن‌ها سوق دادند، لذا همیشه این نگرانی وجود دارد که اگر ما نرخ سود بانکی را حساب شده تغییر ندهیم، در اقتصاد بازتابی منفی خواهد داشت.

#### ● ۳- نگرانی به حقی است که نظام بانکی و دولت باید روی آن کار کنند.

این بحث به شکل طبیعی در همه اقتصادهای دنیا مطرح می‌شود که نرخ سود بانکی باید چه میزان باشد؟ بانک یک واسطه است که از یک طرف از سپرده‌گذاران که بخشی از مردم هستند، وجوه مالی مازاد را جمع‌آوری می‌کند و به آن‌ها سود می‌دهد و از طرف دیگر منابع بانک را در اختیار فعالان اقتصادی می‌گذارد و سود می‌گیرد. اگر بگوییم نرخ سود بانکی بالا برود، سود خوبی نصیب سپرده‌گذاران خواهد شد، و گیرندگان تسهیلات متضرر می‌شوند. بنابراین پیدا کردن نقطه بهینه و نقطه تعادلی و عادلانه سود که اصطلاحاً هم سپرده‌گذاران به حششان برسند و حقوق آن‌ها رعایت بشود و هم گیرندگان تسهیلات بانک به حششان برسند و حق آن‌ها هم ضایع نشود در اقتصاد و بانکداری یکی از پیچیده‌ترین مسائلی است.



ادامه از صفحه قبل

### ۳- جریمه تأخیر یا وجه التزام (بهره دیرکرد)

نکته سومی که در فرمایش برخی از مراجع بزرگوار تقلید وجود دارد، بحث جریمه تأخیر یا وجه التزام است که از آن به‌عنوان بهره دیرکرد هم یاد می‌شود. به‌صورت طبیعی در همه کشورها گروهی از گیرندگان تسهیلات، بدهی خود را به موقع پرداخت نمی‌کنند و یا به دلایل مختلفی مانند ورشکستگی ناتوان از پرداخت هستند و گاهی پیش می‌آید که ناتوان نیستند، اما نمی‌خواهند اقساط تسهیلات را پرداخت کنند. می‌گویند سرمایه‌ای از بانک گرفته‌ام و با آن کار می‌کنم؛ چرا آن را بازپرداخت کنم؟ هر وقتی که بانک زورش رسید این پول را از من بگیرد چرا خودم آن را بپردازم؟ در چنین مواقعی تمام نظامات حقوقی دنیا، تدابیر مختلفی اندیشه‌اند که این پدیده، کاهش پیدا کند یا به صفر برسد و علتش هم این است که اگر اینا باشد افرادی که از بانک تسهیلات گرفته‌اند، آن را به بانک بنگردانند. کلاً بانک و بانکداری از بین می‌رود. قوام بانک به گردش وجوه است و اگر قرار باشد وجوه به جایی برود و برنگردد، بانک‌ها ورشکست می‌شوند. در بانکداری غربی، از ابزار بهره دیرکرد استفاده می‌کنند، معنای بهره دیرکرد این است که به مشتری اعلام می‌شود، این تسهیلات صد میلیونی را که به شما می‌دهیم نرخ بیست درصد دارد و این نرخ بهره، تا سررسید است، مثلاً سررسید دوساله به آن می‌دهند و می‌گویند تا سررسید دوساله نرخ بهره این وام این مقدار است که به تورم آن کشورها بستگی دارد. این را نرخ بهره عادی می‌گویند که تا سررسید وام است و بعد از سررسید نرخ بهره دیگری به نام بهره دیرکرد به‌وجود می‌آید که به‌صورت خودکار نرخ بهره تسهیلات یک و نیم برابر بهره عادی است. اگر تا سررسید یا بیست درصد محاسبه می‌کردند، بعد از سررسید، با سی درصد محاسبه می‌کنند. این کار مثلاً تا شش ماه ادامه دارد و بعد از گذشت شش ماه، دوباره به‌صورت پلکانی بهره دیرکرد بالا می‌رود و در برابر بهره عادی می‌رسد، مثلاً اگر نرخ بهره عادی بیست درصد بود، بهره چهل درصد می‌شود. وجود قانون بهره دیرکرد، باعث می‌شود بسیاری از مشتریانی که تخلف می‌کردند تا پول بانک را ندهند، وقتی با بهره دیرکرد مواجه می‌شوند می‌بینند که هزینه نسبت به درآمد بالاتر است و لذا هر طور شده بدهی بانک‌ها را می‌پردازند. به همین خاطر می‌بینید در کشورهایی که قانون بهره دیرکرد حاکم است، میزان مطالبات معوق در حد دو تا سه درصد است، یعنی از هر صد نفر، دو یا سه نفرشان با بهره دیرکرد و مطالبات معوق مواجه می‌شوند و مابقی بدهی‌هایشان را به بانک می‌پردازند.

### انتطابق بهره دیرکرد با ربای جاهلی

اما بهره دیرکرد یک اشکال شرعی دارد و آن این است که منطبق با بدترین نوع ربا یا همان ربای جاهلی است. ربای جاهلی قبل از دین اسلام در جزیره‌العرب جریان داشت و عبارت بود از این‌که وقتی کسی به دیگری بدهکار بود، طلبکار در سررسید به سراغ بدهکار می‌رفت و به او می‌گفت: آیا بدهی خودت را می‌پردازی یا به توافق کنیم که مبلغ را اضافه کنیم و به تو مهلت بدهم؟ جمله معروفی داشته‌اند می‌گفتند: تعطی اوتربی؟ یعنی آیا بدهت را تسویه می‌کنی یا این‌که زیاد می‌کنی تا به تو مهلت بدهم؟ بدهکار اگر داشت می‌پرداخت و اگر نداشت، مثلاً صد دینار که بدهی داشت توافق می‌کرد که این صد دینار، تبدیل به صدویست دینار بشود و یک‌سال دیگر مهلت می‌گرفت. سال بعد که فرا می‌رسید باز طلبکار می‌آمد و می‌گفت: «تعطی اوتربی؟! باز بیست درصد دیگر روی آن صدویست، اضافه می‌کردند و می‌شد ۱۴۴، این کار هر سال تکرار می‌شد و مبلغ همین‌طور بالا می‌رفت و بعد از مدتی رقم به جایی می‌رسید که دیگر بدهکار توان پرداخت نداشت. اولین ربایی که در دین اسلام آن مبارزه کرد این نوع ربا بود و گفت: ربای جاهلی ممنوع است و بعد ربا ربای قرضی و معاملی در اسلام تحریم شد.

### نظر مراجع بزرگوار تقلید نسبت به بهره دیرکرد

مراجع بزرگوار تقلید معتقدند: بهره دیرکردی که در بانک‌های غربی اجرا می‌شود، همان ربای جاهلی است. آن‌جا بانک می‌گوید: الان سررسید است می‌پردازی یا این‌که بهره دیرکرد به آن تعلق بگیرد و شش ماه یا یک‌سال به تو مهلت بدهیم؟ او هم یا می‌پردازی یا با بهره دیرکرد موافقت می‌کند. روی این حساب مراجع عظام تقلید معتقدند: بهره دیرکرد ربا و حرام است و تا سال ۱۳۶۰ در بانکداری ایران از مدل بهره دیرکرد استفاده می‌شد. تا آن موقع قانون بانکداری ایران همان بانکداری غربی بود و برای کسانی که تأخیر می‌کردند از مدل بهره دیرکرد استفاده می‌شد. آن موقع مردم با مراجع تقلید مکاتبه و استفتا کردند و به‌ویژه استفتائاتی که از حضرت امام صورت گرفت. مراجع و از جمله حضرت امام فرمودند: «بهره دیرکرد ربا و حرام است و بانک‌ها حق ندارند دیرکرد بگیرند». پیرو این فتاوا، فقهای شورای نگهبان هم تصویب کردند که مقررات و قوانین مربوط به بهره دیرکرد ملغی بشود و در سال ۱۳۶۰ بحث بهره دیرکرد ملغی شد. از آن تاریخ به این طرف ما چیزی به نام بهره دیرکرد در نظام بانکی نداریم، اما این خبر برای گروهی که بدهکاران بانکی بودند خبر خوشحال‌کننده‌ای بود و دیگر بدهی‌هایشان را به بانک نمی‌دادند و می‌گفتند: هر وقت بانک توانست این بدهی را بگیرد می‌دهیم.

### راهکاری تحت عنوان «وجه التزام»

در سال ۱۳۶۱ مرحوم دکتر نوربخش که رئیس بانک مرکزی بودند، در نامه‌ای به حضرت امام مطرح کردند که اگر مسئله به این صورت پیش برود، بدهی‌های معوق افزایش پیدا خواهد کرد و بانک‌ها با ورشکستگی مواجه خواهند شد. آن زمان حضرت امام دستور دادند که فقهای شورای نگهبان با شورای پول و اعتبار جلسات مشترکی داشته باشند و راه‌حلی برای این منظور طراحی کنند. در آن زمان که حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی دبیر شورای نگهبان بودند، یعنی جایگاه امروزی آیت‌الله جنئی، بحث‌های مفصلی صورت گرفت و به راهکاری تحت عنوان وجه التزام رسیدند و گفتند: قرارداد‌های بانکی ما از روش وجه التزام استفاده می‌کنیم. وجه التزام مبلغی است که در قرارداد شرط می‌شود که اگر کسی بدهی خودش را به موقع و در سررسیدهای مقرر نپردازد، فلان مبلغ به طرف مقابل بپردازد. وجه التزام سابقه دیرینه دارد و قبل از قرارداد‌های بانکی، در قرارداد‌های مردمی هم وجود داشت؛ مثلاً شخصی منزلی را معامله می‌کند و در بنگاه قرار می‌گذارد که خانه را در تاریخی معین مثلاً در اول اردیبهشت تحویل دهد و از طرف دیگر قرار می‌گذارد که مشتری پول منزل را اول اردیبهشت آماده کند. در این‌جا چون در طرف نسبت به این روش هستند، یعنی خریدار بنگار است که فروشنده اسناد و مدارک منزل را آماده نکند و معامله به هم بخورد و دوباره به دنبال پیدا کردن منزل مناسبی باشد و فروشنده هم نگران است که خریدار پول را آماده نکند، لذا در قول‌نامه‌های بنگاهی، مبلغی را معین می‌کنند که اگر کسی زیر معامله زد و شرایط را فراهم نکرد، مبلغی را به طرف مقابل بپردازد، مثلاً قرار می‌گذارد که فروشنده بابت هر روز تأخیر در خالی کردن منزل و فراهم نکردن اسناد و مدارک، مبلغ صد هزار تومان بپردازد. به این مبلغ اصطلاحاً وجه التزام می‌گویند؛ یعنی مبلغی در قرارداد جهت پای بندی به قرارداد شرط می‌شود. به اعتقاد شورای نگهبان وجه التزام بهره دیرکرد نیست، گرچه شباهت‌هایی به آن دارد، ولی خود آن نیست و از جهت شرعی ربا به حساب نمی‌آید. به همین جهت در سال ۱۳۶۱، با هماهنگی شورای پول و اعتبار و فقهای شورای

نگهبان، بندی که تحت عنوان بهره دیرکرد در قرارداد‌های بانکی وجود داشت کلاً از این قرارداد‌ها حذف و بندی به نام وجه التزام جایگزین آن شد.

### مفاد وجه التزام

مفاد وجه التزام این است که گیرنده تسهیلات متعهد می‌شود که در سررسیدهای مقرر، بدهی خودش را به بانک بپردازد و اگر کوتاهی کرد و به هر دلیلی بدهی خودش را نپردازد، متعهد است فلان مبلغ، اضافه بدهد. شورای نگهبان معتقد بود این بند ماهیت بازدارندگی دارد و نه ماهیت درآمدی. بیان مطلب: اگر به مثال قبلی برگردیم، من که شرط می‌کنم چنان‌چه فروشنده اول اردیبهشت منزل را تخلیه نکرد، بابت هر روز دیرکرد باید صد هزار تومان بپردازد، معنایش این نیست که من می‌خواهم ایشان ده روز تأخیر کند و من یک میلیون تومان کاسب بشوم، خیر، بلکه من به دلیل برنامه‌ریزی خودم که می‌خواهم اسباب‌کشی کنم و منزل را تحویل بگیرم و مستقر بشوم و برای این‌که ایشان را ملزم کنم، این بند را قرار می‌دهم؛ کما این‌که فروشنده هم نمی‌خواهد بگوید، خریدار ده روز پول را دیرتر بدهد و من بابت این ده روز، یک میلیون تومان کاسب بشوم. بنابراین غرض این است که دو طرف پایبند بشوند. استدلال شورای نگهبان هم این است که وجه التزام، با بهره دیرکردی که در بانکداری غربی مطرح است متفاوت است. بهره دیرکرد حکم ربا را دارد و ممنوع است و نباید در بانک‌ها باشد، اما وجه التزام، ماهیت بازدارندگی دارد و اشکالی ندارد.

### • در آن زمان بحث شد که چنان‌چه قراردادهای قبل از سال ۱۳۶۱ که بانک‌ها تسهیلاتی داده‌اند و هنوز تسویه نهایی نشده و دیرکرد داشته باشند تکلیف چیست؟

از یک طرف بند بهره دیرکرد حذف شده و از آن طرف بند وجه التزام در آن قراردادها گنجانده نشده بود، این‌جا بود که شورای نگهبان اعلام کرد: من نسبت به آن‌ها نمی‌توانم حرفی بزنم؛ چراکه بهره بانکی ربا بود و به حق باید حذف می‌شد، وجه التزام هم نیاز به توافق دو طرف دارد تا در توافق گنجانده شود، آن موقع توافق نکرده‌اند و نگنجانده‌اند پس از آن‌ها وجه التزام نمی‌شود گرفت. این‌جا بود که مجمع تشخیص مصلحت نظام، از باب مصلحت نظام بانکی، وارد شد و گفت: قراردادهای قبل از ۱۳۶۱ هم به قراردادهای بعد از آن ملحق شوند و کانه وجه التزام در آن قراردادها هم هست. پس این‌که برخی ملاحظه گفته می‌شود: قانون وجه التزام از باب مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است و پایه و اساس شرعی ندارد، این سخن درستی نیست. اصل وجه التزام را شورای نگهبان تأیید کرده و توسعه وجه

این کتاب محصول سلسله مباحث آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی، درباره احکام ربای قرضی و مسایل بانکداری است که در تابستان سال ۱۳۷۶ در مشهد مقدس ایراد فرمودند و توسط حجت‌الاسلام والمسلمین ابوالقاسم علیان‌نژادی، تقریر و تدوین شده و از سوی انتشارات مدرسه الامام علی‌بن ابی‌طالب (ع) به زور طبع آراسته شده است.

برخی از مهم‌ترین عناوین کتاب:

### • ادله حرمت ربا در اسلام

نویسنده، ابتدا ادله قرآنی و روایی حرمت ربا را شرح و تفسیر کرده، سپس به اجماع و دلیل عقلی پرداخته و ادله حرمت ربا را از ضروریات دین شمرده است.

### • فلسفه احکام

مؤلف در ادامه، بحثی درباره فلسفه تحریم ربا ارائه می‌کند و البته قبل از آن مقدمه‌ای درباره جواز بحث از فلسفه احکام مطرح می‌کند و براین باور است که اولاً ما حق داریم از فلسفه احکام بحث کنیم و ثانیاً این بحث یک بحث صرفاً علمی نیست و فواید عملی برای عموم مکلفان دارد.

### • فلسفه حرمت ربا

در ادامه فلسفه حرمت ربا را در آن پنج محور بررسی می‌کند: اکل مال به باطل، اختلال در اقتصاد سازنده، مصداق بارز ظلم، تضعیف عواطف انسانی، منافات رباخواری با فلسفه پیدایش پول.

این کتاب محصول سلسله مباحث آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی، درباره احکام ربای قرضی و مسایل بانکداری است که در تابستان سال ۱۳۷۶ در مشهد مقدس ایراد فرمودند و توسط حجت‌الاسلام والمسلمین ابوالقاسم علیان‌نژادی، تقریر و تدوین شده و از سوی انتشارات مدرسه الامام علی‌بن ابی‌طالب (ع) به زور طبع آراسته شده است.

### • ادله حرمت ربا در اسلام

نویسنده، ابتدا ادله قرآنی و روایی حرمت ربا را شرح و تفسیر کرده، سپس به اجماع و دلیل عقلی پرداخته و ادله حرمت ربا را از ضروریات دین شمرده است.

مؤلف در ادامه، بحثی درباره فلسفه تحریم ربا ارائه می‌کند و البته قبل از آن مقدمه‌ای درباره جواز بحث از فلسفه احکام مطرح می‌کند و براین باور است که اولاً ما حق داریم از فلسفه احکام بحث کنیم و ثانیاً این بحث یک بحث صرفاً علمی نیست و فواید عملی برای عموم مکلفان دارد.

### • طرح بانکداری بدون ربا

در پایان بحثی با عنوان طرح بانک‌داری بدون ربا

## ربا و بانکداری اسلامی

اثری ارزشمند از آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی



در ادامه از دو نوع ربای معاوضی و ربای قرضی سخن می‌گوید و شرایط و احکام هر کدام را به‌صورت اجتهادی و استدلالی بررسی می‌کند و خاطر نشان می‌سازد که امروزه ربای قرضی، خطرات بسیار زیادی برای افراد و جامعه دارد و اساساً بیشتر ادله حرمت ربا و نکاتی که در فلسفه تحریم ربا ذکر می‌شود، مربوط به ربای قرضی است.

### • فلسفه حرمت ربا

نویسنده، ابتدا ادله قرآنی و روایی حرمت ربا را شرح و تفسیر کرده، سپس به اجماع و دلیل عقلی پرداخته و ادله حرمت ربا را از ضروریات دین شمرده است.

مؤلف در ادامه، بحثی درباره فلسفه تحریم ربا ارائه می‌کند و البته قبل از آن مقدمه‌ای درباره جواز بحث از فلسفه احکام مطرح می‌کند و براین باور است که اولاً ما حق داریم از فلسفه احکام بحث کنیم و ثانیاً این بحث یک بحث صرفاً علمی نیست و فواید عملی برای عموم مکلفان دارد.

### • طرح بانکداری بدون ربا

در پایان بحثی با عنوان طرح بانک‌داری بدون ربا



## تجربه عملی بانکداری بدون ربا

## در ایران و در سایر کشورها

## چگونه است؟

تجربه بانکداری بدون ربا در کشور ما، از نقطه نسبتاً خوبی شروع شد، ولی به تدریج راه خود را کج کرد. در سال ۱۳۶۳ بانکداری بدون ربا در کشور ما با پیاده شدن قانون بانکداری بدون ربا به اجرا در آمد و بانک‌ها روش‌هایی را که در قانون پیش‌بینی شده بود، تا حدود زیادی عمل می‌کردند و به آن ملتزم بودند؛ گرچه نواقصی وجود داشت و گاهی توجیه و آموزش کافی صورت نگرفته بود، ولی به دلایلی این عملکرد بانک‌ها، به تدریج به سوی یک عملکرد صوری متمایل شد و ظواهر و عینونی از آن باقی ماند.

تجربه بانکداری بدون ربا در کشور ما، از نقطه نسبتاً خوبی شروع شد، ولی به تدریج راه خود را کج کرد. در سال ۱۳۶۳ بانکداری بدون ربا در کشور ما با پیاده شدن قانون بانکداری بدون ربا به اجرا در آمد و بانک‌ها روش‌هایی را که در قانون پیش‌بینی شده بود، تا حدود زیادی عمل می‌کردند و به آن ملتزم بودند؛ گرچه نواقصی وجود داشت و گاهی توجیه و آموزش کافی صورت نگرفته بود، ولی به دلایلی این عملکرد بانک‌ها، به تدریج به سوی یک عملکرد صوری متمایل شد و ظواهر و عینونی از آن باقی ماند.

در سال ۱۳۷۰ کنفرانس اندیشه اسلامی در الجزایر، با حضور صاحب‌نظران کشورهای اسلامی و با موضوع توسعه اقتصادی اسلامی برگزار شد که بخش مهمی از مباحث نشست، مربوط به بانکداری اسلامی بود. یکی از صاحب‌نظران به نام دکتر رفیق یونس مصری، در حاشیه کنفرانس از من پرسید: «شما که بانکداری بدون ربا را پیاده کرده‌اید، چگونه عمل کردید؟ ما در بانک‌های اسلامی در کشورهای دیگر مشکلاتی داریم؛ گاهی ظاهر را اسلامی کرده‌ایم، ولی مغزو محتوای کار، اسلامی نیست. آیا شما هم همین رویه را دنبال کردید یا به‌صورت واقعی، ساز و کار شما منطبق با شریعت است؟» من در آن‌جا پاسخی به ایشان دادم که توضیح آن را ضروری نمی‌بینم، ولی باید توجه نمود که یکی چنین مشکلی در بانکداری دیگر کشورهای اسلامی نیز، کم و بیش مشاهده می‌شود؛ البته مواردی وجود دارد که ساز و کارهای به کار گرفته در آن‌ها، دقیقاً منطبق بر قوانین اسلامی و بلکه سخت‌گیرانه‌تر از آن چیزی است که در قانون بانکداری بدون ربا مدنظر ماست.

یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد در رساله خود، تحقیقی در مقایسه بین بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی و بانکداری اسلامی در اردن، که یک بانک از مجموعه بانک‌های اردنی، تحت عنوان بانک اسلامی است. انجام داد. این بانک، بدون حمایت دولت و بدون حمایت مالی و اعتباری بانک مرکزی اردن کار می‌کند؛ چون ساز و کار بانکداری اردن ربوی است و بانک مرکزی هم بر اساس نرخ بهره کار می‌کند و این بانک اسلامی نیز متعهد و ملتزم است که به هیچ وجه به‌صورت ربوی بهره نگیرد، و لذا از کمک‌های بانک مرکزی هم استفاده نمی‌کند.

معمولاً بانک‌ها در طول سال با مشکلات مالی و پولی روبه‌رو می‌شوند که بلافاصله بانک مرکزی با اعطای اعتبارات با نرخ بهره، به آن‌ها کمک می‌کند. بانک اسلامی به‌خاطر این که بهره ندهد، از اعتبارات بانک مرکزی استفاده نمی‌کند و وجود این مانند همه بانک‌ها، مکلف است تا بخشی از وجوه خود را به‌عنوان ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی بگذارد که در مقابل، بانک مرکزی بهره‌ای از نرخ در حد دو و سه درصد به بانک‌ها می‌دهد ولی بانک اسلامی اردن چون متعهد است از بهره استفاده نکند، از این‌گونه بهره بانک مرکزی امتناع می‌کند. در هر حال این بانک، کاملاً مطابق با شریعت اسلامی و حتی سخت‌گیرانه‌تر از قانون

عملیات بانکی بدون ربا عمل می‌کند. در روش اعطای مرابحه در بانک اسلامی مذکور، متقاضی مرابحه باید فرم تقاضا را پر کند و آمادگی خود را برای خرید آن‌چه که بانک به نام او می‌خرد اعلام نماید؛ به نحوی که شرط ابتدایی برای خرید آن حاصل شود. بانک در ابتدا مثلاً ماشین‌آلاتی را که او تقاضا کرده، به نام خود خریداری و ثبت می‌کند و در مواردی که امکان دارد به انبار بانک منتقل می‌شود؛ سپس با محاسبه نرخ سود برای این سرمایه، و با منظور کردن مدت در نظر گرفته شده، سند به نام متقاضی و خریدار زده می‌شود و تجهیزات مورد نظر در محل مورد تقاضای خریدار یا بنگاه، نصب شده، تحت نظارت بانک آغاز به کار می‌کند.

پس این‌طور نیست که متقاضی تسهیلات، به بانک بگوید: من می‌خواهم تراکتور یا ماشین آلات کشاورزی بخرم و بانک به او بگوید: فاکتور خرید آن‌ها را بنیار و تا پولش را بدهم؛ بلکه بانک ابتدا خریداری می‌کند و سپس به او می‌فروشد. علت این کار هم آن است که در فقه اهل سنت، «بیع قبل القبض» (فروش قبل از تحویل کالا) جایز نیست، و لذا کالا باید پس از خرید در اختیار بانک قرار گیرد و سپس به فروش برسد؛ ولی چون در فقه شیعه «بیع شیء قبل القبض» کراهت دارد، بنابراین، مانعی ندارد که بانک بخرد و پیش از این که کالا را دریافت کند، به مشتری بفروشد.

اما شیوه عمل بانکداری ما بدین صورت است که با مراجعه متقاضی تسهیلات به بانک، کارشناس بانک فقط تقاضای فاکتور خرید کالا را می‌کند و توجهی به حقیقی یا صوری بودن فاکتور ندارد. این مقایسه به ما نشان می‌دهد که

مركز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه‌های علمیه



## نگاهی اجمالی به رابطه اقتصاد و بانک و ماهیت کنونی بانکداری در ایران

**حجت‌الاسلام والمسلمین محمد جواد محقق‌نیا**، **عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی**

بنده سخن خود را با بیان چند مقدمه آغاز می‌کنم:

- راه‌اندازی جهاد فکری راه مقابله با مکتب‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی**

امروز اگر کسی وارد طبلگی می شود، چیزی جز این‌که به دین خدا کمکی بکند در ذهن ندارد؛ چراکه با این همه‌های که علیه حوزه و طلاب وجود دارد، نمی‌توانیم برای تحصیل در حوزه منافعی متصور بشویم. اگر کسی به‌دنبال دنیا باشد شاید بیرون از حوزه بهتر بتواند به آن دست پیدا کند، حالا که برای رضای خدا قدری از دنیا گذشته‌ایم، راه پیروزی ما این است که یک جهاد فکری را راه‌اندازی کنیم و قطعاً حامیان خوبی مثل حرم ائمه اطهار <sup>علیهم‌السلام</sup> داریم. یک وقتی هم مقام معظم رهبری می‌فرمودند: ما باید راه‌های میانبر را برویم که توسل و طلب مدد از حرم اهل‌بیت است، نورانیت آن‌هاست که به ما کمک می‌کند. باید یک جهاد علمی در حوزه برای مدل‌سازی در بخش‌های مختلف اداره‌کشور صورت بگیرد، باید برای بخش‌های مختلف مثل بانکداری و غیره مدل‌های متفاوتی ارائه کنیم. ارائه چنین مدل‌هایی تنافی با این ندارد که همه این مدل‌ها اسلامی باشد؛ چراکه مدل اسلامی مدلی است که مبانی و اهداف و چهارچوبه آن اسلامی است و ما به تعداد متفکرین حوزه بانکداری و متفکرین اقتصادی اسلامی، می‌توانیم مدل‌های اسلامی داشته باشیم. این نیست که اگر من سخنی گفتم یا دیدگری سخنی گفتم همان حرف نهایی باشد، می‌توانیم ایده‌های متعددی ارائه کنیم که هر کدام بتوانند کارایی بیشتری ارائه‌کنند. بنابراین باید یک جهاد فکری و علمی با استفاده از طرق میانبر انجام بگیرد تا کم‌کاری چند دهه‌ای که بعداز جنگ صورت گرفته، جبران شود. با این‌که حوزه در دفاع مقدس، به‌خوبی انجام وظیفه کرد و مردانه به میدان آمد، اما بعداز جنگ و به لحاظ جهاد فکری کار زیادی انجام نشده است. شاید حوزه تا به امروز مشغول نیروسازی بوده که از امروز باید وارد عرصه جهاد علمی بشود. امروز اگر طلبه‌ای با زبان خارجی آشنا نباشد بی‌سواد محسوب می‌شود؛ چراکه نمی‌تواند خودش را ارائه کند و امروزه از واجبات مدارس حوزه این است که حداقل دو زبان انگلیسی و عربی تدریس

- سیستم رایج در اقتصاد ایران به لحاظ تعریف چیست؟**

در ایران به لحاظ سیستم اقتصادی، دولت هیچ اطلاعات دقیقی از اقتصاد ندارد، یعنی نمی‌داند شما چقدر درآمد دارید و تا دولت این آمار را به‌صورت دقیق در اختیار نداشته باشد، نمی‌تواند کاری انجام بدهد، چراکه نمی‌داند باید از شما چقدر مالیات بگیرد. یکی از اسائیدی می‌گفتند: من چهل سال قبل برای تحصیل به یک کشوری رفتم، بعداز دو هفته یک ترانزمانه مالیاتی برای من فرستادند، یعنی می‌دانند شما چقدر درآمد دارید و اگر درآمد کم داشته باشید به شما کمک می‌کنند و در غیراین صورت باید مالیات بپردازید و تا ۵۵ درصد و در برخی موارد تا ۸۰ درصد درآمد را به‌عنوان مالیات اخذ می‌کنند. اگر فعل و انفعالی در حساب شما صورت بگیرد، چنان‌چه مطابق روال و سابقه حساب شما باشد مشکلی نیست، اما اگر خارج از روال پولی، به حساب شما بیایید، از شما بازخواست می‌کنند که این پول از کجا آمده است؟

- وضعیت اقتصاد ایران تعمدی است یا از روی سهل‌انگاری؟**

افکار عمومی می‌گویند: تعمد است، یعنی مافیایی که ثروتمند شده‌اند، می‌بینند که اگر شفافیت مالی ایجاد شود، متضرر می‌شوند و لذا دوست ندارند که شفافیت مالی برای درآمد آن‌ها ایجاد بشود. من اعتقاد دارم هشتاد درصد اقتصاد ایران غیررسمی است و در این اقتصاد غیررسمی دولت هیچ اطلاعاتی ندارد و برای این‌که به برخی از وظایف خود به‌صورت کج‌دار و مریز عمل کند، مجبوراست در برخی مسایل از مدیریت مستقیم استفاده کند، مثلاً بانک‌ها را مدیریت مستقیم می‌کند تا بتواند پاسخ‌گوی مسایلی باشد. وقتی رئیس‌جمهور در سفر استانی، اعلام می‌کند که این مقدار وام خواهیم داد، این کار را بانک‌های خصوصی انجام نمی‌دهند و لذا مجبور است چند بانک را در اختیار داشته باشند. وقتی سیستم دولتی باشد فشل خواهد شد، در تمام دنیا، مالکیت را در اختیار دولت باقی نگه می‌دارند، اما مدیریت را واگذار می‌کنند، مثلاً در کشور آلمان نیروگاه‌های برق را در قرارداد‌های چند دهه‌ای و با مبلغ یک بیورو اجاره می‌دهند تا برق بفروشد و سود دولت را هم بدهد و اگر درآمدی بیشتر از پیش‌بینی داشتند، مالیات آن را به دولت می‌پردازند، یعنی اقتصادشان را مهندسی می‌کنند. این اتفاقات در ایران وجود ندارد و ما برعکس عمل می‌کنیم، یعنی مالکیت را به مردم واگذار می‌کنیم، مثلاً حداکثر ۲۰ درصد مالکیت بانک ملت متعلق به دولت است و این به این معنی است که مدیرعامل این بانک توسط بخش خصوصی مشخص می‌شود. چهل درصد سهام این بانک، متعلق به سهام‌عدالت می‌دارند، اما مدیریت را واگذار می‌کنند، مثلاً در کشور آلمان نیروگاه‌های دراختیار بخش خصوصی است، اما عملاً، وزیراقتصاد است که مدیرعامل بانک ملت، تجارت، صادرات و دیگر بانک‌ها را مشخص می‌کند، یعنی ما مالیکت را واگذار کرده و مدیریت را در اختیار دولت باقی نگه داشته‌ایم؛ چراکه دولت، ابزاری برای مدیریت اقتصاد ندارد، اما چرا ابزار ندارد؟ چون اطلاعات کافی ندارد. با این تفاسیر، ما باید مدلی را به کار بگیریم که از درون آن شفافیت بیرون بیاید. هم باید اقتصاد ایران را شناسایی کنیم و هم بدانیم که اسلام برشفافیت و ارائه کامل اطلاعات تأکید دارد. ایجاد رانت، خلاف اصول اسلامی است، سود ویژه خلاف اصول اسلامی است، در حالی که این اتفاقات افتاده

کار سوم بانک این است که خلق پول می‌کند، امروز از نقدینگی

۱۵۰۰ هزار میلیارد تومانی که در سیستم وجود دارد

مقدار ۲۵۰ هزار میلیارد تومان آن را دولت ایجاد کرده است

اما ۱۲۵۰ هزار میلیارد تومان، یعنی بیش از شش برابر این مبلغ را

سیستم بانکی ایجاد کرده و به همین میزان، سیستم بانکی

در تورم نقش دارد؛ یعنی اگر تورم مثلاً ۱۲ درصدی را شش قسمت کنیم

دو درصد آن برای دولت است و ده درصد مابقی را سیستم بانکی

ایجاد کرده است. بنابراین بانک ۶ برابر دولت قدرت دارد.

بودجه دولت در سال ۱۳۹۷ معادل ۳۸۰ هزار میلیارد تومان است

که ۶۰ هزار میلیارد تومان آن بودجه عمرانی است و این در حالی است

که کل وامی که سیستم بانکی در سال ۱۳۹۷

به سیستم اقتصادی پرداخت می‌کند ۷۹۰ هزار میلیارد تومان

یعنی ۱۱ برابر بودجه عمرانی دولت است حوزه از نقش و قدرت

سیستم بانکی غافل است، خوب است سیستم بانکی را درست کنیم

و مدلی برای آن ارائه دهیم که به اقتصاد مقاومتی کمک کند.

یک ماه رمضان به درس خارج یکی از علما می‌رفتم که در مورد زکات پول اعتباری صحبت می‌کردند و متوجه شدم برداشت مناسبی از مفهوم پول ندارند؛ در حالی که مربوط به اقتصاد نیم قرن گذشته است و امروزه در علم اقتصاد از رواج افتاده است. اگر همین مسایل در حوزه تبیین بشود و مفهوم و ماهیت «بانک» و «پول» خوب درک بشود خیلی از مسایل حل می‌شود.

- مفهوم و ماهیت «بانک» چیست؟**

باید برای ما مشخص بشود که بانک چه قدرتی دارد؟ به نظر من قدرت سیستم بانکی برای علما و حوزه مشخص نشده و شاید تبیین درستی از مفهوم بانک در حوزه ایجاد نشده است، ولی باید بدانیم که بانک سه ویژگی مهم دارد:

الف- تأمین منابع

بانک پول‌های کوچک را جمع می‌کند و در یک کار بزرگ به کار می‌گیرد. امروزه احداث یک واحد پتروشیمی نیاز به چهار هزار میلیارد تومان پول دارد که هیچ کس به تنهایی چنین پولی ندارد، اما بانک با جمع‌آوری مبالغ کوچک اقدام به تأسیس پروژه‌های بزرگ می‌کند و اگر بانک نباشد انجام پروژه‌های بزرگ امکان‌پذیر نیست. انقلاب صنعتی در انگلستان در اثر ایجاد بانک بود و قبل از ایجاد بانک، انقلاب صنعتی در انگلستان شکل نگرفت. پس بانک جذب منابع می‌کند.

ب- تطبیق زمانی

کار بعدی بانک، تطبیق دادن زمان است. تطبق هر کدام از ما مبالغ متنوعی را برای زمان‌های متنوعی، مثلاً شش ماهه یا یک‌ساله در بانک‌ها ذخیره می‌کنیم، اما بانک وام ده ساله می‌دهد، یعنی اگر می‌خواهیم پروژه‌ای انجام بشود، دو سال تنفس دارد و پنج سال هم اقساط دارد که این پول هفت سال توقف دارد، و لذا اگر پول یک شخص باشد، قادر به این میزان از توقف نیست، ولی سیستم بانکی این کار را می‌کند و زمان‌های کوتاه‌مدت سپرده‌گذاری را با زمان بلندمدت وام‌گیرنده که دو‌خواستنه متفاوت‌اند را با هم تطبیق می‌دهد.

ج- خلق پول

کار سوم بانک این است که خلق پول می‌کند، امروز از نقدینگی ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومانی که در سیستم وجود دارد، مقدار ۲۵۰ هزار میلیارد تومان آن را دولت ایجاد کرده است، اما ۱۲۵۰ هزار میلیارد تومان، یعنی بیش از شش برابر این مبلغ را سیستم بانکی ایجاد کرده و به همین میزان، سیستم بانکی در تورم نقش دارد؛ یعنی اگر تورم مثلاً ۱۲ درصدی را شش قسمت کنیم، دو درصد آن برای دولت است و ده درصد مابقی را سیستم بانکی ایجاد کرده است. بنابراین بانک ۶ برابر دولت قدرت دارد. بودجه دولت در سال ۱۳۹۷ معادل ۳۸۰ هزار میلیارد تومان است که ۶۰ هزار میلیارد تومان آن بودجه عمرانی است و این در حالی است که کل وامی که سیستم بانکی در سال ۱۳۹۷ به سیستم اقتصادی پرداخت می‌کند ۷۹۰ هزار میلیارد تومان، یعنی ۱۱ برابر بودجه عمرانی دولت است حوزه از نقش و قدرت سیستم بانکی غافل است، خوب است سیستم بانکی را درست کنیم و مدلی برای آن ارائه دهیم که به اقتصاد مقاومتی کمک کند. یکی از مهم‌ترین و شاید مهم‌ترین عامل عدم تحقق اقتصاد مقاومتی، سیستم بانکی است. امروز سیستم بانکی ما، ضد تولید و اقتصاد و به نفع واردات و قاچاق است که حکومت و حوزه از آن غافل هستند. سیستم بانکی چون سپرده ۲۰ درصد گرفته است، به ناچار وام ۲۵ درصد تخصیص می‌دهد و این در حالی است که فعالیت تولیدی مانند کشاورزی ۵ درصد بازده دارد، با صنعت ۱۵ درصد بازده دارد. آیا این‌ها می‌توانند وام ۲۵ درصدی بگیرند؟ بعضاً مجبور هستند این وام‌ها را بگیرند، اما چه اتفاقی می‌افتد؟ کارخانه‌ای در بندرعباس سرخ‌دارم که با تکنولوژی بسیار پیشرفته تأسیس شده و بعد از آن حداکثر دو سال فعالیت، کل این کارخانه ۲۵۰ میلیارد تومان ارزش دارد؛ در حالی که ۳۵۰۰ میلیارد تومان به سیستم بانکی بدهکار است! یعنی از روز اول ورشکسته است، چراکه این کارخانه ۱۵ درصد سود ایجاد می‌کند اما ۲۸ درصد به سیستم بانکی سود می‌دهد، یعنی ۱۳ درصد زیان انباشته ایجاد می‌شود. پس برای صنعت و کشاورزی ما، وام گرفتن از بانک‌ها صرفه اقتصادی ندارد. شخصی سه سال قبل به دفتر من آمد و گفت: شما که الان وام ۲۸ درصد می‌دهید، به من وام ۴۰ درصد بدهید اما آن را زود پرداخت کنید و من وثیقه ملکی درجه یک هم در تهران ارائه می‌دهم.

سؤال کردم شما چه کاری انجام می‌دهید که چنین وامی با این نرخ سود را طلب می‌کنید؟ جواب داد: من گندم وارد می‌کنم و دوره واردات من ۴۵ روز است و در هر دوره ۲۵ روز و ۱۵ درصد سود می‌کنم. من در سال، هشت بار این کار را انجام می‌دهم که در سال مجموعاً ۱۲۰ درصد سود دارم که ۴۰ درصد آن را به شما می‌دهم و هشتاد درصد آن را برای خودم برمی‌دارم. پس سیستم بانکی ما، ضد تولید و صادرات و به نفع واردات و قاچاق و توسعه نامتوازن تهران است. امروز ۶۰ درصد پول کشور در تهران است و استان بعدی اصفهان است، در شهر قم فقط یک درصد پول کشور وجود دارد. تهران دائماً در حال رشد است. یک پروژه بعد از پارک چیتگر تهران، توسط یکی از بانک‌ها در حال اجراست که ۳۰ هزار میلیارد تومان پول در آن جریان دارد، اما کل پولی که در قم وجود دارد ۱۵ هزار میلیارد تومان است، یعنی یک پروژه دو برابر قم و بیست برابر بیرجند یا یاسوج پول دارد، این یعنی تهران، دائماً در حال رشد است. برای بانک صرفه ندارد که در قم، بیرجند و خوزستان کار کند و لذا سیستم بانکی امروزی ما، ضد توسعه و اقتصاد ماست.

- آیا حوزه به این نکات توجه دارد؟**

حوزه صدای ملت است، ما باید بزرگان حوزه را در جریان کار قرار دهیم تا آن‌ها از دولت بخوانند که سیستم بانکی را اصلاح کند و یک حرکت هماهنگ برای اصلاح سیستم بانکی ایجاد شود و یک مدل هم ارائه بدهیم. این‌طور نباشد که بگوییم این آب گل‌آلود است و استفاده نکنید، در این

- ویژه‌نامه بانکداری اسلامی**

صورت از ما سؤال می‌کنند آب گوارا کجاست؟ امروز متخصص حوزوی که بخواهد مدلی ارائه کند، باید به مبانی اسلام و مبانی اقتصادی و بانکداری و با شرایط روز آشنا باشد. بنابراین طلبه‌های جوان، از الان باید خودشان راه این ابزارها تجهیزکنند. ما مشخصیتی ترکیبی از همه مسایل نیاز داریم که وقتی صحبت می‌کند، همه بگویند که او می‌فهمد و از شرایط روز دور نیست، و این تلاش زیادی نیاز دارد.

- آیا مدلی برای بانکداری اسلامی داریم؟**

ما مدلی برای بانکداری، در پایان نامه دکتری ارائه کردیم که تبدیل به کتاب شد و مدل خوبی است. ما یک مدل سه بخشی ارائه کردیم که در این مدل، یک نوع از بانک‌ها، بانک‌های قرض‌الحسنه و یک‌سری بانک‌های سرمایه‌ای و مدل سوم هم بانک‌های تجاری می‌باشند. مدل بانک‌های قرض‌الحسنه با استفاده از مانده حساب‌های جاری عمل می‌کنند که تقریباً بین ۳۵ تا ۴۰ درصد از حساب‌های بانکی را حساب‌های جاری تشکیل می‌دهند که می‌تواند به جوان‌ها، یک بار وام ازدواج دهد. امروز حدود ۶۰۰ هزار میلیارد تومان، مانده حساب‌های جاری ماست و اگر هر پنج سال یکبار هم بخواهیم وام بدهیم، سالی صد هزار میلیارد تومان می‌توانیم قرض‌الحسنه بدهیم و اگر سالی یک میلیون ازدواج در کشور با اتفاق بیفتد، می‌توانیم برای هر ازدواجی یکصد میلیون تومان وام قرض‌الحسنه بدهیم. وقتی این پول به بخش مسکن تریق شود، چرخ اقتصاد به گردش در آمده و اشتغال ایجاد خواهد شد؛ چراکه برای ساختن هر خانه، چهل شغل ایجاد می‌شود. از سوی دیگر جهیزیه دختران، از کالای ایرانی تأمین خواهد شد و با سی میلیون تومان، یک جهیزیه مناسب تهیه خواهند کرد. یک‌سری بانک‌های سرمایه‌گذاری داریم که از عقود مشارکتی برای تأمین مالی پروژه‌های بزرگ، مانند پتروشیمی و پالایشگاه استفاده می‌کنند. پالایشگاه به حدود ده هزار میلیارد تومان پول نیاز دارد، این بانک‌ها با تعیین پروژه و ابعاد آن و بر اساس عقود مشارکتی، سپرده‌پذیری می‌کنند که در این صورت عقود مشارکتی زنده می‌شوند. یک‌سری بانک‌های تجاری هم هستند که بر اساس عقود صرفاً مبادله‌ای، نیازهای میانه مردم را مانند خرید یا تبدیل به احسن خودرودر دو قالب فروش اقساطی وام پرداخت می‌کند. این‌جا مردم به سراغ بانک‌ها هم نمی‌روند و مستقیماً از خودرو ساز خرید می‌کند و این خودروساز است که با بانک کار می‌کند. ما در این جهت مدل کاملی را ارائه کرده‌ایم، اما امروز سیستم بانکی ما، نه به نیازهای اساسی و نه به نیازهای میانی مردم و نه به نیازهای پروژه‌های بزرگ اقتصادی پاسخ می‌دهند؛ یعنی سیستم اقتصادی ما در تأمین پروژه‌های کلان، متوسط و خرد مشکل دارد و لذا این سیستم باید متحول بشود. برخی از دوستان گفتند: امام راحل <sup>علیه‌السلام</sup> اوایل انقلاب، کمیته امداد را در کنار بهزیستی، جهاد را کنار کشاورزی و سپاه پاسداران را در کنار نهادهای نظامی ایجاد کرد وای کاش امام <sup>علیه‌السلام</sup> کنار سیستم مالی، یک نهاد جدید تأسیس می‌کرد که قادر باشد

مأموریت‌هایی را که نظام و اقتصاد اسلامی از او می‌خواهد را انجام بدهد. سیستم بانکی، امروز مأموریت‌های اقتصاد اسلامی را به‌هیچ‌وجه انجام نمی‌دهد. مأموریت‌هایی که به‌دنبال استقلال هستند و جزء اصلی اقتصاد مقاومتی، همان استقلال اقتصادی است و منشأ قرآنی دارد که می‌فرماید: *لَوْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا*؛ (نساء/۱۲۱) متأسفانه خروجی سیستم بانکی ما استقلال نخواهد بود، امروزه صادرکننده ما، در کنار صادرکننده ترکیه‌ای قرار دارد که صادرکننده ترکیه، به منابع بانکی ارزان قیمت دسترسی دارد، ولی صادرکننده ما به منابع گران بانکی! در نتیجه صادرکننده ما قابلیت رقابت ندارد و زمین می‌خورد، و این ترکیه است که ۲۰۰ میلیارد دلار صادرات دارد. من به‌عنوان یک حوزوی قول می‌دهم اگر سیستم بانکی ما از صادرات ما حمایت کند، ما سالانه ۲۰۰ میلیارد دلار صادرات خواهیم داشت. امروز کل درآمد ارزی ایران، ۱۰۰ میلیارد دلار است که درآمد فروش نفت، حداکثر نیمی از آن است و اگر سیستم بانکی از بخش صادرات حمایت نکند، نیازی به فروش و صادرات نفت نخواهیم داشت. نفت را کنار می‌گذاریم و دربر چاه‌های نفت را می‌بندیم و به آمریکا هم باج نمی‌دهیم؛ چراکه بخش خصوصی، صادرات را انجام می‌دهد. این در صورتی محقق می‌شود که ما از صادراتمان حمایت کنیم. صادرات ما تنها و غریب در دنیا در حال جنگ است و هیچ سیستمی از آن حمایت نمی‌کند. این ما هستیم که در عراق خون می‌دهیم، ولی این ترکیه و اردن هستند که نفع آن را می‌برند. ما در سال، ۵/۵ میلیارد دلار به عراق صادرات داریم، اما ترکیه حدود ۲۰ میلیارد دلار به عراق صادرات دارد، و لذا اگر همین قسمت از صادرات را درست انجام بدهند، در سال ۱۳۹۸ مشکل اشتغال ما رفع خواهد شد.

نتیجه مباحث این می‌شود که امروزه بانک در کشور ما، یعنی ضد اشتغال، ضد صنعت، ضد تولید، ضد کشاورزی، ضد توازن منطقه‌ای، اگر بخواهیم به اهداف بلند انقلاب و کشور دست یابیم باید در روند فعالیت بانک تغییر ایجاد شود.

آلمان‌ها در انقلاب صنعتی، صد سال از انگلستان عقب افتاده بودند، اما بیسمارک<sup>(۱)</sup> که حدود بیست سال نخست‌وزیر و صدراعظم آلمان بود، آلمان را متحده داد. اصلی‌ترین عامل موفقیت آن‌ها این بود که یک مدل خوب بانکی را برای اقتصادشان طراحی کردند. ما باید برای اقتصادمان یک مدل بومی بانکداری طراحی کنیم، مدل بانکی وحی منزل نیست و آن مدل‌هایی که در کشورهای غربی رواج دارد، در همان کشورها کاربرد دارد و برای کشور ما مفید نیست.

- پی‌نوشت‌ها**

<sup>[1]</sup> اوتو اودارد لئوپولد فون بیسمارک (به آلمانی: Otto Eduard Leopold) (۷ آوریل ۱۸۱۵ – ۳۰ ژوئیه ۱۸۹۸)